الف) شیخ حسین حلی

مرحوم آقا شیخ حسین حلی در اصل این که شبهه صدقیه، جدا از شبهه مفهومیه داشته باشیم اشکال کردند:

شبهه صدقیه= مفهومیه

یعنی ایشان نمی‌پذیرند که ما شبهه صدقیه داشته باشیم و آن را به همان شبهه ی مفهومیه برمی‌گردانند[1]:

> و لكن لا يخفى أن الشك في صدق مفهوم الماء على هذا الشخص مع فرض معرفة مفهومه تفصيلا و معرفة حال هذا الشخص غير معقول، فلا بد من تحليل هذا الشك و أنه ليس براجع إلى عالم المصداق، بل هو راجع إلى عالم المفهوم، و يكون الشك في صدق المفهوم المذكور عليه شكا بدويا زائلا بالرجوع إلى ما ارتكز في أذهاننا من ذلك المفهوم، فإن صح حمله عليه استكشفنا سعة ذلك المفهوم بحيث إنه يشمل مثل هذا، و إن رأينا بحسب وجداننا عدم صحة حمله عليه استكشفنا عدم سعة ذلك المفهوم الارتكازي لذلك المصداق، و حينئذ لا تكون الشبهة إلا في المفهوم لكنها بدوية زائلة بالرجوع إلى المفهوم الارتكازي الحاصل لنا من لفظ الماء، يعني أنا ننظر نظرا تفصيليا إلى ذلك المعنى الاجمالي المرتكز في أذهاننا،
>
> و ما هذه المسألة إلا كمسألة صحة السلب و عدم صحته في استكشاف كون اللفظ حقيقة فيما لا يصح سلبه عنه بما له من المفهوم الارتكازي، و غير حقيقة فيما يصح سلبه عنه بما له من المفهوم الارتكازي، فنحن إذا رجعنا إلى العرف في صدق مفهوم الماء على هذا الماء المخلوط بقليل من التراب فلم نرجع إليهم إلا في شبهة مفهومية، و هم يعملون عين هذه العملية التي شرحناها من أنهم يأخذون مفهوم الماء بما له من

> **المعنى الارتكازي للماء غير منظور إليه بالتفصيل، فإن وجدوا صحة حمل ذلك المفهوم الارتكازي على ذلك المصداق حكموا بسعة ذلك المفهوم الارتكازي، و أنه شامل لمثل ذلك المصداق، و إن وجدوا عدم صحة حمله عليه حكموا بعدم سعة ذلك المفهوم الارتكازي، و أنه لا يشمل مثل ذلك المصداق، و إن توقفوا كان محصل ذلك أنهم مترددون في مفهوم الماء بين الأقل و الأكثر[2].**

قدر آن مباحثه ما که در جزوه ابهام[3] بود اینجا معلوم می‌شود که چقدر نیاز است که برای حلّ‌وخ این بحث‌ها، روی آن‌ها بحث بشود.

ایشان فرمودند: یعنی چه که می‌گویی مفهوم روشن است، صدقش مشکوک است؟!

در مصداق مشکلی نداریم، در این آبی که خاک ریختی کجایش برای ما مشکوک است؟ آب ِروشن ، خاک هم روی ریختی، ذره‌ای خصوصیاتش ابهام ندارد؛ همه‌اش را می‌توانیم قسم بخوریم، شما چند گرم خاک در این آب ریختی، این کجایش مبهم است؟ پس شک شما در انطباق عنوان آب مطلق بر اوست.

مثل این نیست که نمی‌دانم این خمر است یا نیست و ما جهل به خصوصیت فیزیکی خارج داریم و خصوصیات خود مصداق برای ما مجهول است.

وقتی این طوری است، در چنین فضایی شما می‌گویی که مفهوم آب روشن است، اگر مفهوم آب روشن است و مصداق هم روشن است، پس یعنی چه شک در انطباق داری؟ ایشان فرمودند: معقول نیست.

خب پس چطور شبهه صدقیه را درست کنیم و حال آن که می‌بینیم در خارج هست؟

فرمودند: آن چیزی که می‌گویی مفهوم است، مفهوم ارتکازی است، عرف می‌گوید آب، یک مفهوم ارتکازی دارد که در ذهنش بالاجمال اتفاق می‌افتد و وضوح اجمالی دارد، اما همان وضوح اجمالی وقتی در مصداقی می‌آید که خصوصیاتش روشن است، وقتی می‌آیی آن ارتکاز را بر بعضی افراد منطبق کنی به شک می‌افتد؛ یعنی آن مفهوم ارتکازی بالتفصیل برای او روشن نیست، چون اگر روشن باشد وقتی این مصداق را می‌بینند یا قاطع هست به این که صادق است، یا قاطع است که صحت سلب بر آن صادق است، اگر شک می‌کند پس معلوم است عیب زیر سر مفهوم است، مفهوم نزد خودش بالتفصیل مردد بین اقل و اکثر است؛ پس صدقیه نداریم و حال آن که ظاهراً داریم.

-[illegible]

اول می‌گویند: اگر مفهوم واضح باشد، شبهه صدقیه معقول نیست[4]،

بعد می‌گویند: پس آن جایی که شبهه صدقیه می‌بینیم و خود عرف هم متحیر می‌شود، کاشف از این است که شبهه مفهومیه است[5]، یعنی خود مفهوم نزد عرف مردد است یعنی به مفهومیه

برمی‌گرداند و لذا می‌گویند ثبوتاً ً ات شبهه بیشتر ندارم، ای مفهومیه است ای مصداقیه است.

---

[1] آقا ضیاء عراقی رحمه‌الله نیز می‌فرماید:

ثم انّ مفهوم الجهر و الإخفات عرفيان، و ربما يشك في صدقهما كسائر المفاهيم العرفية غير الخالية عن الشك في الصدق، فالمرجع فيه البراءة عن المشكوك، لكون الشبهة مفهومية(شرح تبصرة المتعلمين (للآغا ضياء)؛ ج۲، ص: ۲۹)

مرحوم شیخ احمد کاشف الغطاء نیز بر همین باور است:

فالمناط ...و هو من أوضح الأشياء مفهوما و مصداقاً و قد توجد افراد يشك فيها من حيث الصدق أو المصداق فيرجع إلى الاصول و الشك في الصدق شك مفهومي كما في مثل ماء النفط و الكبريت و نحوهما و الشك في المصداق شك موضوعي(سفينة النجاة و مشكاة الهدى و مصباح السعادات؛ ج1، ص: ۴۱)

و همین طور مرحوم بیارجمندی:

و المراد بالصدق هو الشبهة المفهوميّة كما انّ المراد بالمصداق هو الشبهة الموضوعيّة(مدارك العروة (للبيارجمندي)؛ ج1، ص: ۱۷۶)

إن إجمال الخاص تارة: يكون من حيث الصدق، و تسمى الشبهة مفهوميّة أو صدقيّة. و اخرى: يكون من حيث المصداق، و تسمى بالشبهة المصداقيّة، فيقع الكلام في جهتين(تحقيق الأصول ؛ ج 4 ؛ ص۲۶۰)

[2] اصول الفقه، ج ۱۱، ص ۸۰-۸۱

ایشان در کتاب فقهی خود این نکته را یادآور می شوند:

إلا أننا قد حققنا في محله أن هذه الشبهة ترجع- لدى التحقيق- إلى الشبهة المفهوميّة، لأن منشأ الجهل في الانطباق هو عدم إحراز سعة المفهوم و ضيقه، إذ مع فرض معرفته لتحقيقة المفهوم كيف يجهل انطباقه على المصداق الخارجي. و ما ذلك إلا لأن التوقف من ناحية عدم معرفة المفهوم نفسه سعة و ضيقا، فان الشخص حيث كان يتخيل بحسب مرتكزاته أنه عارف بمفهوم الماء سعة و ضيقا، و لكنه بعد ابتلائه بالماء المخلوط بشيء من التراب و حصول الشك له في ناحية الانطباق، يتبين له عدم معرفته سعة المفهوم و ضيقه، فالشبهة- إذن- تعود إلى الشبهة المفهوميّة، و ليست قسما ثالثا(دليل العروة الوثقى؛ ج1، ص: 13)

[3] مقصود، مقاله ابهام و پاراداکس خرمن نوشته آقای داود حسینی است. در ادامه و در فصل ششم، پاراداکس خرمن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

[4] و لكن لا يخفى أن الشك في صدق مفهوم الماء على هذا الشخص مع فرض معرفة مفهومه تفصيلا و معرفة حال هذا الشخص غير معقول(اصول الفقه، ج ۱۱، ص ۸۰)

[5] در این مقام هم ابتدا می فرمایند که شبهه به وجود آمده در ذهن، یک شک بدوی است که با رجوع به مفهوم ارتکازی زائل می شود: و يكون الشك في صدق المفهوم المذكور عليه شكا بدويا زائلا بالرجوع إلى ما ارتكز في أذهاننا من ذلك المفهوم(اصول الفقه، ج ۱۱، ص ۸۰) و بعد از رجوع به مفهوم ارتکازی صحت صدق یا عدم آن را کشف می کنیم.

اما در ادامه، شبهه صدقیه مستقر را هم تصویر فرمودند و آن را به شبهه مفهومیه اقل و اکثر برگرداندند(ارجاع موضوعی نه حکمی): و إن توقفوا كان محصل ذلك أنهم مترددون في مفهوم الماء بين الأقل و الأكثر(اصول الفقه، ج ۱۱، ص ۸۱)

بازبینی #1
ایجاد شده 22 مارس 2025 12:30:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مارس 2025 12:33:14 توسط ... .